

## تأثیر بعد خانوار بر تحرک اجتماعی

نویسنده: محسن باقری\*

### چکیده

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-پیمایشی است که در آن تأثیر بعد خانوار بر تحرک اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ نفر خانوار ساکن شهر شوشتر می‌باشد که به صورت تصادفی ساده و سیستماتیک انتخاب شده‌اند و در ۴ محله به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و در مواردی مصاحبه می‌باشد که پرسشنامه شامل سئوالاتی در مورد خصوصیات فردی، وضعیت زندگی و تعدادی عبارت نگرش سنج (طیف لیکرت) می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل و آزمون داده‌ها از جداول توزیع فراوانی و جداول آزمون کی دو استفاده شد. این تحقیق نشان می‌دهد که بعد خانوار با متغیرهایی مثل ثروت، درآمد، تحصیلات، شغل، منزلت اجتماعی و میل به شهرگرایی سرپرست خانوار ارتباطی تنگاتنگ دارد. بدین ترتیب که هرچه بعد خانوار افزایش می‌یابد، آن یکی (متغیر وابسته) کاهش می‌یابد. ولی نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین بعد خانوار و وضعیت مهاجرت سرپرست خانوار هیچگاه رابطه وجود ندارد که در نتیجه منجر به رد شدن فرضیه مربوطه گردید. در نهایت محقق به این نتیجه رسید که بعد خانوار و تحرک اجتماعی با هم در ارتباط هستند و بعد کم خانوار منجر به تحرک اجتماعی زیادتر می‌شود.

### واژه‌های کلیدی

بعد خانوار، تحرک اجتماعی، باروری، درآمد، ثروت، مهاجرت، شهرگرایی.

## مقدمه

بعضی از دانشمندان تحرک اجتماعی را در مواردی به کلی مردود می‌دانند و بر این اعتقاد هستند که برخی از جوامع در مراحل از حیات خود و برخی از جوامع به طور کلی، در سکون مطلق اجتماعی قرار داشته‌اند، آنان مفهوم ایستایی‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> و ایستاگرایی<sup>۲</sup> را جهت شناخت پدیده سکون مطرح کرده‌اند. همراه با آن دانشمندان دیگری با تعبیری دیگر همین پدیده یعنی عدم تحرک را مورد نظر قرار داده‌اند. این دانشمندان از «جامعه‌شناسی» سخن گفته‌اند.

«جامعه‌شناسی ترقی» در برابر این نوع از جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد که به زعم صاحب‌نظرانش به شناسایی حرکت اجتماعی و پویایی‌شناسی اجتماعی<sup>۳</sup> می‌انجامد.

تحرک اجتماعی شاخص خوبی برای نشان دادن باز یا بسته بودن جامعه است. یعنی هر قدر میزان انتقال افراد به حالت بالا یا پایین ساخت اجتماعی بیشتر باشد، احتمال این که اشخاص مشاغلی بنابر صلاحیت‌های شخصی و نه از طریق اصل و نسب خانوادگی کسب کنند بیشتر می‌شود. اما این نکته شاید باعث شود که ما با خوش بینی مفرط به این قصه نگاه کنیم. چرا که بسیاری از مردم در جوامع امروزی گمان می‌کنند هرکسی که سخت‌کوش و با پشتکار کافی باشد می‌تواند به بالاترین موقعیت‌ها برسد. با وجود این آمار نشان می‌دهد که تعداد بسیار کمی موفق می‌شوند.

چرا این کار دشوار است؟ از یک جهت پاسخ بسیار ساده است. حتی در یک جامعه «کاملاً سیال» که هرکسی دقیقاً فرصت برابر برای رسیدن به بالاترین موقعیت‌ها را دارد، تنها اقلیت کوچکی خواهند توانست موفق شوند.

نظم اجتماعی - اقتصادی به شکل هرمی است که در بالای آن فقط تعداد نسبتاً اندکی از موقعیت‌های قدرت، منزلت یا ثروت برخوردارند.

اما افزون بر این، کسانی که صاحب موقعیت‌های ثروت و قدرت هستند راه‌های زیادی برای تداوم امتیازات خود و انتقال آنها به فرزندان‌شان در اختیار دارند؛ آنها می‌توانند مهم‌ترین آموزش موجود را برای فرزندان‌شان تأمین کنند، و این غالباً آنها را به مشاغل خوب هدایت خواهد کرد.

جامعه‌شناسان می‌خواهند بدانند که چگونه عوامل گوناگون اجتماعی در تحرک اجتماعی افراد یا گروه‌هایش بازی می‌کند. از این گذشته آنها می‌خواهند شدت و ضعف این تحرک را در جوامع گوناگون مورد بررسی قرار دهند.

یکی از عوامل اساسی که بر تحرک اجتماعی تأثیر می‌گذارد، «عوامل جمعیتی» است. در بیشتر جوامع بالا بودن نرخ باروری در میان طبقات کم‌درآمد، افراد خانواده را از سطح زندگی بالاتر و امکان حرکت صعودی در سلسله مراتب اجتماعی محروم می‌سازد. زیرا انسان طبیعتاً موجودی لذت‌گراست و استفاده از عوامل کیف و لذت و ایستگی شدیدی به وضع اقتصادی وی دارد. ظاهراً طبقات پایینی جامعه از هر لحاظ به جز تعداد فرزندان در مضیقه هستند. به سبب این که انتخاب موارد لذت قابل حصول برای فقرا و تهی‌دستان بسیار اندک است، اینها بسیاری از محرومیت‌های خود را از طریق رضایت جنسی تعدیل می‌کنند و به همین جهت بالا بودن میزان تولیدمثل در طبقات پایین‌تر امکانات افراد خانواده را برای صعود به طبقات بالاتر به سبب تنگی معیشت و پایین بودن سطح زندگی محدود می‌سازد. برای طبقه ثروتمند ارضاء لذت‌ها به طریق دیگری خارج از منزل امکان‌پذیر است، اما همه این لذت‌ها گران تمام می‌شود، بنابراین برای این که بتوانند از تمام لذات زندگی بیشتر بهره‌مند شوند مجبورند از تعداد افراد خانواده خود بکاهند.

به طور کلی می‌توان گفت که: «برخی مطالعات نشان داده است که اشخاصی که نردبان طبقات را پیموده‌اند به طور متوسط از خانواده‌های کوچکی هستند و آنها که سقوط کرده‌اند خانواده بزرگی دارند و خانواده‌هایی که هیچ‌گونه حرکتی نشان نداده‌اند، از نظر تعداد افراد متوسط هستند» (مابر، کورت، ۱۳۵۶ شماره ۸).

### طرح مسئله

نوشته حاضر یک بررسی جمعیت‌شناختی - جامعه‌شناختی با موضوع «تأثیر بعد خانوار بر تحرک اجتماعی» می‌باشند. در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که این تحقیق قبل از هر چیزی می‌خواهد این مسئله را بررسی کند که آیا فرزندآوری در یک خانواده با وضعیت اقتصادی - اجتماعی ارتباط دارد یا خیر؟ همچنین آیا همان طور که اکثریت اعتقاد دارند باروری در سطح

پایین فقط خاص طبقات بالاست یا خیر؟ و بالاخره آیا رابطه‌ای بین تحرک اجتماعی و بعد خانوار که بیشتر تحت تأثیر باروری است وجود دارد؟

از آن جایی که تحرک اجتماعی همانند تمام مقولات اجتماعی از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد، عواملی مانند ازدواج، پیشینه خانوادگی، شهرنشینی، مهاجرت، ثروت و درآمد، شغل، آموزش و پرورش، سطح باروری و بعد خانوار و...

در جامعه آماری مورد مطالعه نیز از تأسیس نهادهای دانشگاهی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، پزشکی، پیام‌نور و... مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، به همین مناسبت شاید همیشه این سوالات به اذهان خطور کند که از زمان پیدایش این نهادها تا به امروز چه تغییراتی در روند زندگی مردم شهر حاصل گردیده است؟

در شرایط امروز که تعلیم و تربیت رسمی در دسترس قشر وسیعی از مردم ایران قرار گرفته است و تحصیل علم و دانش بر کیفیت اعضاء جامعه می‌افزاید و آنها را تبدیل به سرمایه‌های انسانی می‌گرداند، آیا در موقعیت اجتماعی مردم (چهرم) تغییراتی حاصل شده است؟ اگر تغییر حاصل شده میزان آن چقدر بوده است؟ و آیا این تغییرات احتمالی در تمام خانواده‌ها یکسان بوده است؟ از طرف دیگر با توجه به این اصل که «هرچه تعداد فرزندان یک خانواده بیشتر باشد، مخارج نگهداری از آنها هم به نسبت بیشتر می‌شود» به نظر می‌رسد که هنوز این عقاید قدیمی مثل «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» یا «فرزندان در پیری عصای دست والدین هستند» در بین مردم رایج باشد.

البته این عقاید بیشتر خاص جوامع سنتی و کشاورزی همانند جامعه آماری مدنظر ما می‌باشد در چنین هنگامی است که نقش آموزش و پرورش و تحصیلات هرچه بیشتر آشکار می‌شود. چرا که منشاء این عقاید را باید در فرهنگ جامعه جستجو کرد و یکی از ابزارهای بسیار موثر برای مبارزه با این عقاید خرافاتی، همان آموزش و پرورش است.

با توجه به تغییرات همه جانبه‌ای که هر روز شاهد آن هستیم و به دلیل این که همیشه تغییرات اقتصادی خیلی جلوتر از تغییرات فرهنگی حرکت می‌کنند (تاخر فرهنگی)، وظیفه آموزش و پرورش به عنوان یک عامل شتاب‌دهنده تغییرات فرهنگی، هویدا خواهد شد. بدیهی است که اصولاً این گونه سوالات و چراها و همچنین وجود ارتباطات احتمالی بین متغیرهای

مورد نظر است که نگارنده را به سمت و سوی مطالعه درباره موضوع این تحقیق سوق داده است. سئوالاتی از این قبیل که:

- تعداد فرزندان چگونه بر این تغییرات اثر می‌گذارد؟ بعد خانوار چه تأثیری در رشد صعودی یا نزولی خانواده داشته است؟
- سطح باروری و بعد خانوار چه تأثیراتی از پدیده‌هایی مثل شهرنشینی و مهاجرت خانوار پذیرفته است؟

در خاتمه سئوال‌هایی اساسی تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد

- آیا اصلاً رابطه‌ای بین بعد خانواده و تحرک اجتماعی وجود دارد؟
- آیا بعد خانوار بالا از تحرک اجتماعی می‌کاهد؟ و اگر چنین است مکانیسم (ساز و کار) آن چیست؟
- چگونه افزایش بعد خانوار باعث کاهش تحرک اجتماعی می‌شود؟
- آیا در عمل هرچه بعد خانوار کوچک‌تر باشد، تحرک اجتماعی بیشتر است؟
- آیا این فرضیه‌ها در تمام موارد می‌تواند صادق باشد؟

### چهارچوب نظری تحقیق

از جمله نظریه‌پردازانی که در رابطه با تحرک اجتماعی و باروری اظهار نظر کرده‌اند آلن دومون است. «وی اعتقاد دارد که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزندان بیشتر امکان ارتقاء منزلت اجتماعی و ترقی در پدیده‌های اجتماعی بیشتر باشد (همانند بسیاری از جوامع توسعه‌نیافته مبتنی بر کشاورزی) خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند» (Bhend, Asha 1988, P. 276).

این تئوری که مبتنی بر انگیزه‌های فردی، روانی زوجین در مورد باروری است یکی از زیربنایی‌ترین مباحث نظری است که در مورد باروری وجود دارد. در تئوری جمعیت دومون که به اصطلاح تئوری «شعور اجتماعی» نامیده می‌شود، عنوان می‌شود که افزایش جمعیت در یک ملت «نسبت» معکوس با پیشرفت فردگرایی دارد. دومون می‌گوید: چیزی غیر از سه اصل جمعیت وجود ندارد که اینها با سه مرحله از پیشرفت اجتماعی ارتباط دارند که عبارتند از:

- در جوامع بدوی انسان‌ها مانند حیوانات در یک مرحله وحشی زندگی می‌کنند، آنها بیشتر به آنچه می‌یابند زندگی می‌کنند تا آنچه که بتوانند پرورش دهند. در چنین حالتی فقط اصل جمعیت مالتوسین (یعنی تصاعد هندسی) می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.

در جوامع متوسط (در حال توسعه) جمعیت خودش به طور اتوماتیک متناسب می‌شود به این صورت که با توجه به امکانات جمعیت خودش به طور اتوماتیک متناسب می‌شود. به عبارتی با توجه به امکانات زیستی جمعیت زیاد شده و با وسایل پیشگیری کنترل می‌گردد.

- در جوامع پیشرفته شعور اجتماعی تحت نفوذ باروری می‌باشد. مردم خواهان موقعیت‌های اجتماعی بالاتر هستند و موقعیت‌های اجتماعی بالاتر غالباً به موقعیت‌های اقتصادی بستگی دارد. فرزندان باری بر دوش کسانی هستند که می‌خواهند از نردبان اجتماعی بالا بروند.

دومون می‌گوید: درست همان طوری که یک ستون مایع باید رقیق باشد تا تحت فشار موی بالا رود، خانواده هم باید کوچک باشد تا در درجه‌بندی اجتماعی بالا رود. وی همچنین عنوان می‌کند که فقر علت باروری نیست بلکه عوامل مهم‌تر از آن دوری از مرکز شهری است که جهل و فقر را افزایش می‌دهد، و فقر فقط یک نوع وضعیت می‌باشد، اما علت باروری بالا نیست همین طور ثروت بالا علت باروری پایین نمی‌باشد. در مراکز شهری، باروری به خاطر شعور اجتماعی بالا، پایین است. دومون اظهار می‌کند که فقدان علاقه به صعود، عامل فرزند زیاد در طبقات پایین است. حتماً طبقه پایین اجتماع به خاطر موانع موقعیتی و مذهبی، بالا بردن شرایط اقتصادی و افزایش میزان آن را غیرممکن می‌یابد، همان طوری که صفر تنها رقمی است که هنگامی که به چهار یا شش تقسیم می‌شود، همان صفر در خارج قسمت قرار می‌گیرد. طبقه پایین اجتماع هم چیزی ندارد که برای فرزندانش به ارث بگذارد (idid, p.49).

«دومون همچنین استدلال می‌کند که رشد جمعیت در مناطق شهری پایین می‌باشد. زیرا آنجا ثروت، زندگی تجملاتی و رقابت روزافزون برای پیشرفت اجتماعی وجود دارد و همه اینها نیازمند احساس بار مسئولیت کمتری از جانب فرزند بر دوش والدین می‌باشد. همان طوری که طبقات متوسط در مناطق شهری پیشرفت می‌کنند، آگاهی در برابر وسایل پیشگیری

از باروری افزایش می‌یابد و تفکر استفاده از این امکانات به صورت عملی درمی‌آید و میزان بهره‌گیری از آنها بیشتر می‌شود.

بالا رفتن موقعیت اقتصادی، اجتماعی زنان و تمایل آنها برای پیشرفت جستجوی‌شان برای استقلال مالی و دفاع از شخصیت واقعی‌شان آنها را وادار می‌سازد که فرزندان کمتری داشته باشند. تصمیم برای داشتن فرزندان بیشتر دیگر یک تصمیم مردانه نیست.

دومون زندگی شهری را منطقی‌تر، راحت‌تر و خود جستجوگر در نظر می‌گرفت وی همچنین اظهار می‌داشت که در مناطق روستایی فقر، جهل، خرافات و فقدان انگیزه اقتصادی برای میزان زاد و ولد پایین وجود دارد» (Shir vastava, 1994, P. 94- 50).

«مطالعات «دیس رانگ» و تعدادی دیگر به ارتباط بعد خانوار و منزلت اجتماعی اشاره

دارد

«دیس رانگ نشان می‌دهد که در یک دوره چهار ساله از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ در ایالات متحده آمریکا و در اروپا میزان زاد و ولد از طبقه‌ای به طبقه دیگر متفاوت بوده و عموماً با طبقه همبستگی منفی داشته است.

پس از ۱۹۱۰ تفاوت میزان‌های باروری میان طبقات اجتماعی که تا آن زمان بسیار بارز بود، تخفیف پیدا کرد، به این معنی که گروه‌های برخاسته از طبقه متوسط میزان زاد و ولدشان را کاهش داده و آن را به میزان پایین زاد و ولد طبقه بالا نزدیک کردند. از حدود سال ۱۹۳۰ به بعد، در برخی از کشورهای اروپای غربی همبستگی منفی میان زاد و ولد و طبقه اجتماعی تغییر یافت، به طوری که بعضی از گروه‌های برخاسته از طبقه متوسط حجم خانواده‌شان را کوچک‌تر از حجم سایر خانواده‌های سایر گروه‌های شغلی بالاتر از خودشان مثل صاحبان کارخانه‌ها، دارندگان مشاغل آزاد و بازرگانان کردند» (تامین ۱۳۷۳، ص ۱۲۰).

طبقات پیشرفته و (در جستجو آنها که دارای رفاه بیشتری هستند و از تحصیلات بالاتری بهره‌مند شده‌اند) اولین افرادی بودند که به محدود کردن میزان باروری پرداختند و این تقدم در محدود کردن مولید در اصل ناشی از رابطه‌ای است که میان سطح باروری و سطح اجتماعی در مدت زمان طولانی به نحو تقریباً کامل برقرار بوده است. وقتی که سطح اجتماعی ارتقاء پیدا می‌کند سطح باروری کاهش می‌یابد، اما وقتی که شرایط در طول ده ساله اخیر بررسی شود، این نکته روشن می‌گردد که متعاقب تحرک مثبتی بر کاهش در طبقات اجتماعی پایین‌تر

در گروه‌هایی که در سطوح اجتماعی بالاتری هستند نوعی بازگشت مشاهده می‌شود، سطح کلی در کلیه موارد کاهش نشان می‌دهد» (بروسا، ۱۳۵۳، ص ۷۰).

«غالباً در بسیاری از معالک مشاهده شده است که باروری میان طبقات پایین‌تر بیشتر است. در واقع وجود همبستگی منفی بین باروری از یک طرف و طبقه یا منزلت اجتماعی - جمعیتی از طرف دیگر قدرت قانون اجتماعی - جمعیتی را کسب نموده است. تحولات و تصورات اقتصادی ناشی از صنعتی شدن به تفاوت‌های باروری طبقه‌ای بزرگ و متوسط اقتصادی، اجتماعی و افزایش امکانات فردی برای ترقی و پیشرفت اجتماعی موجب افزایش تحریر وسعت خانواده گشته که قسمت بزرگی از جمعیت را فرا گرفته است. هنگامی که در اواخر قرن نوزدهم میزان مولید شروع به تنزل کرده رابطه بین باروری و وضع اجتماعی - اقتصادی بیشتر نمایان گردیده تحدید خانواده میان طبقات بالا و متوسط شهری گسترش یافت ولی در مقابل طبقه کارگر و روستاییان به افزایش وسعت خانواده‌های خود ادامه دادند» (منظوری، ۱۳۷۳، ص ۵۶).

از دیگر کسانی که به نوعی به مطالعه رابطه بین سطح باروری و منزلت اجتماعی خانواده پرداخته، می‌توان به «پیتریم سوروکین» اشاره کرد. وی معتقد است: «چون معمولاً سطح باروری در میان طبقات بالا، پایین است به همین سبب اغلب موجب پیدایش موقعیت‌های خالی در آن قشر می‌گردد که (سوروکین) آن را خلاء اجتماعی می‌نامد، باعث می‌شود افراد از قشر پایین به طبقات بالاتر ارتقاء یابند و موقعیت‌های خالی را پر کنند. بنابراین بیشتر اوقات، بقای طبقه ممتاز بسته به وجود افرادی است که از طبقات پایین‌تر می‌آیند. به خصوص وقتی که وجود شغلی آنها در طبقات لازم و ضروری باشد» (اشرف، ۱۳۴۶، صص ۳-۲۲).

همچنین از دیگر کسانی که نظریه‌ای بسیار مشابه با سوروکین ارائه داده است، «پی‌یر لاروک» می‌باشد. وی می‌گوید: «در طبقات اجتماعی پایین میزان ولادت بالا است در حالی که در طبقات بالا میزان باروری و ولادت کم است....»

در نتیجه این طبقه بتدریج محدودتر و کمتر می‌شود و لازم می‌آید از طبقات پایین جامعه گروهی به طبقه بالا انتقال یابند به‌ویژه این که تعلق به طبقه بالا به انجام کار و اشتغال همراه می‌باشد و وجود آن شغل هم ضرورت داشته باشد» (لاروک، ۱۳۴۶، ص ۳۳).



مثل شغل پزشکی که سابقاً به گروه و طبقه خاصی مربوط بود، امروز از سطوح پایین جامعه به علت اشتغال به این شغل به طبقه بالا ارتقاء می‌یابند. اشتغال هم از جمله دیگر مقوله‌هایی است که بر باروری تأثیر بسزا دارد در تمام جوامع امکانات بیشتر اشتغال برای زنان با سطوح پایین باروری همراه بوده است. «آلن زیر» جمعیت‌شناس فرانسوی در این مورد معتقد است که: «از جمله عللی که بر نوسان توزیع ارقام اشتغال بر حسب سن زن اثر می‌گذارد، خانواده و تعداد فرزندان است که اثر آن را در تمام کشورها فارغ از رژیم سیاسی آنان می‌بینیم. بدین قرار شرایطی در خانواده، نظیر وجود بچه‌های کوچک، موجبات مخالفت کار زن را فراهم می‌آورد. در صورتی که کار زن به هنگام تجرد و یا فقدان فرزند پذیرفته شده است. بدین ترتیب، در کشوری نظیر فرانسه به نحوی منظم و با تولد اولین فرزند، بازگشت زن به خانه آغاز می‌گردد و با دومین فرزند مقاومت زن در بازار کار فروکش می‌کند. آن طور که با تولد سومین فرزند در گروه‌های شغلی نظیر کارمندان فقط ۱۵ درصد زنان شاغل به چشم می‌خورند و حال آن که قبل از تولد فرزندان ۷۸ درصد شاغلین زن در بین گروه‌های کاسب‌پیشه و در ۶۸ درصد در بین کارمندان متوسط مواجه بودیم» (ساروخانی، ۱۳۷۵، صص ۹-۱۶۸).

«محمود ستوده زند» در مقاله‌ای که در سال ۱۳۴۹ نوشته است به رابطه شغلی و بعد خانوار اشاره کرده است. ایشان می‌نویسند «تردیدی نیست که بین شغل رئیس خانوار و تعداد عائله‌ای که تحت تکفل وی قرار دارد ارتباط نزدیکی برقرار است. این وابستگی و ارتباط در حقیقت رابطه بین میزان سواد، درجه تخصص، میزان درآمد رئیس خانوار و به طور کلی زمینه‌های فکری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی رئیس خانوار که (در قالب شغل مورد سنجش قرار گرفته) با تعداد افراد تحت تکفل نشان می‌دهد. به طوری که در مشاغلی که ملازمت سواد و تخصص در آنها ضروری نیست علی‌الاصول ابعاد خانواده نیز می‌بایست به مرز کنترل نشده و طبیعی خود نزدیک‌تر باشد» (ستوده زند، ۱۳۴۹، ص ۲۴).

سواد و تحصیلات از جمله متغیرهای دیگری است که با بعد خانوار در ارتباط می‌باشد. «بررسی ادبیات و سوابق موضوع همگی نشان‌دهنده وجود رابطه منفی بین تحصیلات زن و میزان باروری است. نتایج تحقیقات «پروفسور راله» در ۱۹۴۷، آشا در ۱۹۶۹ و وزارت امور

بهداشتی هند در ۱۹۷۹ حاکی از کاهش تعداد متوسط فرزندان زنان تحصیل کرده نسبت به زنان بی سواد است» (Behende, Asha 1988, P. 268-9).

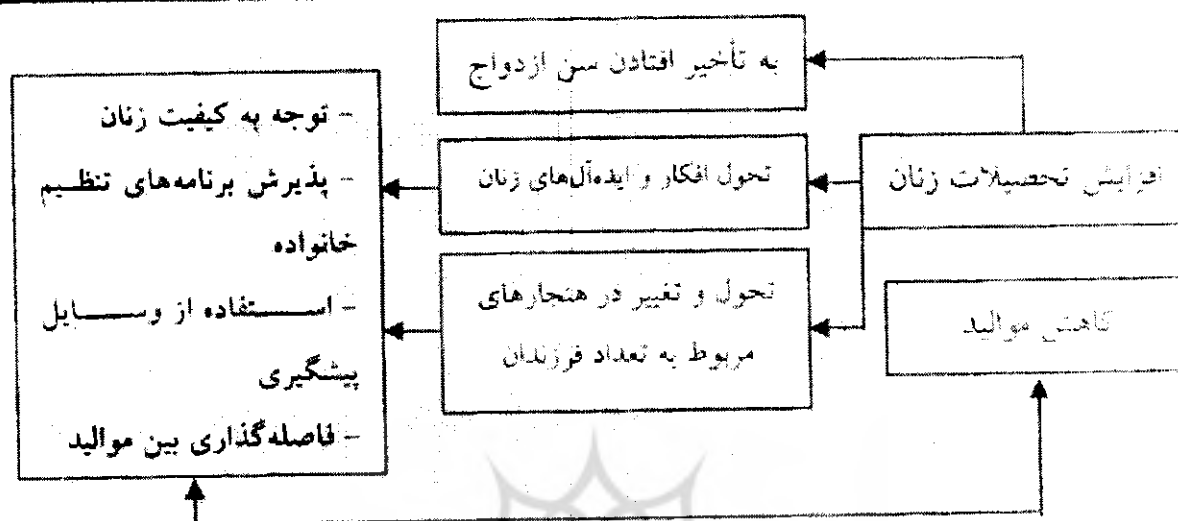
محمود ستوده زند در مقاله‌ای که از آن یاد شد می‌نویسد «عده‌ای عقیده دارند که توسعه سواد در مراحل نخستین موجب ایجاد شغل و درآمد بیشتر در خانوارهای کم‌درآمد می‌شود که اولین اقدام آنها را به صورت ازدواج همزمان با پیدا کردن شغل مشاهده می‌نماییم. از طرف دیگر سواد به عموم می‌آموزد که چگونه بهداشتی زندگی کنند و زندگی بهداشتی مرگ و میرها را کاهش می‌دهد و همه این احوال نه تنها به کاهش، بلکه به گسترش ابعاد خانواده‌ها می‌انجامد» (ستوده زند، ۱۳۴۶، ص ۵).

نتایج بررسی‌های انجام شده توسط گروه جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و سازمان ملل نیز مؤید این نکته است که آموزش زنان نقش ویژه‌ای را در کاهش میزان مرگ و میر نوزادان، کیفیت تربیت و نگهداری فرزندان، افزایش امکان اشتغال به کار خارج از منزل، افزایش استفاده از روش‌های کنترل باروری، در مورد ساکنان کشورهای آسیا، اقیانوسیه داشته است» (United nation vol 7 no. 2).

سوابق مطالعاتی که در ایران انجام شده نیز مؤید همین نتایج است. اکبر آقاجانیان در مطالعه‌ای که در مورد کارگران صنعتی شیراز در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ شمسی) انجام داد، دریافت که سواد یکی از عوامل موثر بر باروری و استفاده از وسایل پیشگیری محسوب می‌شود» (Bhende, Asha, 1988, P. 270).

در مورد رابطه بین آموزش و باروری باید به نکته‌ای اشاره کرد و آن این که علی‌رغم آن که قبلاً از معکوس بودن رابطه آموزش و باروری صحبت شد، اما مایکل تودارو معتقد است که «همان‌گونه که بسیاری از کارشناسان نشان می‌دهند، آموزش زنان عمدتاً از طریق مکانیسم بالا بردن هزینه فرصت آنان در فعالیت‌های پرورش کودکان است که بر رفتار باروری تأثیر می‌گذارد، لذا تا زمانی که فرصت‌های کافی اشتغال برای زنان و نیز برای مردان ایجاد نشود، اتکا به گسترش آموزش به عنوان یک ابزار سیاستی برای کاهش باروری تأثیربخشی ناچیزی خواهد داشت» (تودارو، ۱۳۷۸، ص ۳۷۵).

اگر بخواهیم رابطه بین تحصیلات زنان و باروری آنها را به شکل نمودار زیر ترسیم کنیم شکلی به این ترتیب تشکیل خواهد شد.



(مأخذ عزیزخانی، ۱۳۷۴، ص ۶۹)

«مطالعات جمعیتی در هندوستان از وجود رابطه منفی بین افزایش درآمد ماهانه خانوار و باروری در مناطق شهری گزارش کرده‌اند. این مطالعات در سال‌های ۱۹۶۰، ۶۱، ۶۶، ۷۱، ۷۹ انجام شده‌اند» (Bhende, Asha, 1988, P. 270).

«افتخاری نیز در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ م) در مطالعه‌ای که در ۶۰ روستای کازرون انجام داد، دریافت که رابطه معنی‌دار بین درآمد و کاهش باروری وجود دارد، همچنین عجمی در بررسی خود از ۶ روستای استان فارس در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) به این نتیجه رسید که بین درآمد و باروری رابطه منفی وجود دارد» (Mahedevan, k. (ed), 1989, P. 235).

گروهی معتقدند که همراه توسعه اقتصادی جامعه قشرهای اجتماعی تحرک یافته و جایگاهی در افراد هر قشر صورت می‌گیرد. توسعه موجب می‌گردد گروه‌های بالای اجتماع افزایش یابند تحصیل کرده‌ها بیشتر شوند. ورود افراد به قشر جدید آنها را مجبور به رعایت رفتارهای آن قشر می‌کند. «بکر» می‌گوید: در جوامع توسعه یافته به کیفیت بچه توجه می‌شود. کیفیت حالت کالای لوکس دارد. هرچه درآمد بالاتر برود تمایل به داشتن کالای لوکس بیشتر می‌شود. در نتیجه کیفیت بچه بالا می‌رود. در جوامع توسعه یافته کارگر ساده یا افراد فاقد تخصص ارزش ندارند. هرچه تخصص بالاتر باشد، به همان اندازه ارزش هم بیشتر می‌شود. اگر توجه به کیفیت بیشتر شود، باروری خواهد یافت، چون با داشتن تعداد فرزند بیشتر نمی‌توان بر روی همه آنها سرمایه‌گذاری کرده (عزیزخانی، ۱۳۷۴، ص ۶۳).

در کتاب جامعه‌شناسی تاریخی خانواده «مارتین سگالن»، در مورد باروری در خانواده‌های کم‌درآمد، چنین آورده است که «خانواده به فردای فعلی خود نمی‌اندیشد، و حاصل این

بی فکری همان باروری وافر است. نشانه حرکت خانواده کارگری به سوی پایگاه بورژوازی در آینده می‌بایست ظهور ناگهانی پدیده کنترل مولید باشد. مرد کارگر درباره این که چرا باید بچه داشته باشد، به این می‌اندیشد که چرا بهتر است فرزندان بیشتری متولد نشود.

«کولت بتونه» در بررسی طبقه زیر-پرولتر معاصر، علل کثرت اولاد را که امروزه مشخصه محروم‌ترین خانواده‌ها بوده نوعی پادفرهنگ خانوادگی را پدید می‌آورد، تجزیه و تحلیل کرده است. آنان زمانی که امیدی باقی نیست، آنگاه که خانواده به عمق فقر سقوط کرده، بارداری تنها تحفه‌ای است که زن می‌تواند در اختیار مرد خود قرار دهد، مردی که راهی دیگر برای الثبات مردانگی خود ندارد... آنچه که بروز می‌کند به مسئله طفل چندان ارتباطی ندارد، بلکه به حاملگی زن مربوط می‌شود» (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۰۸).

و اما در نظر اول ظهور فرزندان در خانواده مانعی بلامنازع در راه کسب و تحصیل درآمد و ثروت هر چه بیشتر می‌باشد، اما هنگامی که اصل «شعور اجتماعی» آرسن دومون را مورد توجه قرار می‌دهیم ممکن است تردیدهایی را در ذهن هر کسی ایجاد کند.

این اصل یکی از چندین انگیزه‌هایی است که می‌تواند تصمیم باروری را تحت نفوذ قرار دهد که البته آن هرگز یک تنوری کامل جمعیتی نمی‌باشد. فرزندان همیشه مانعی برای پیشرفت کردن نیستند. اگر این طور بود، زوج‌های عقیم باید خیلی ثروتمند می‌بودند. در حالی که میلیونرهای زیادی را می‌توان یافت که فرزندان بسیاری دارند که این باعث پایین آمدن موقعیت اقتصادی-اجتماعی آنها نمی‌شود» (جواهری، ۱۳۷۷، ص ۹۵).

همگام با تحرک اجتماعی و بالا رفتن سطح زندگی، مسئله شهرنشینی نیز غالباً به عنوان گرایش فردی به مسئله خانواده مورد توجه قرار گرفت. کاهش مولید در همه کشورهای غربی اروپا با جابجا شدن جمعیت از روستا به شهر همگام بود.

«گلد برگ» در مطالعه جدید خود درباره اثرات موقعیت و محل سکونت در شهر آنکارا و مکزیکوسیتی متوجه شد که محل اقامت اثرات مهمی بر مجموعه رفتار افراد و از آن جمله باروری آنان دارد و این تأثیرات مستقل از خصوصیات فردی آنان است. همچنین «آنکر» (۱۹۷۶) در پژوهش خود در گجرات هندوستان اثرات قابل توجهی از خصوصیات جامعه روستایی مورد مطالعه خود را بر رفتار باروری مشاهده نموده است. ولی ملاحظه نمود که سطح توسعه روستایی که زن و شوهر در آن زندگی می‌کنند و کاستی که به آن تعلق دارند

پیوستگی بسیار با شاخص‌های سه‌گانه باروری (وسعت خانواده، پذیرش تنظیم خانواده و باروری کل) دارد و این پیوستگی حتی پس از کنترل ویژگی‌های متعدد اقتصادی-اجتماعی زن و شوهر ثابت باقی می‌ماند (سیفی، ۱۳۷۱، ص ۱۷).

نتایج بررسی جهانی باروری که توسط سازمان ملل انجام گرفته، نیز نشان می‌دهد که محل سکونت نمی‌تواند به طور مستقیم بر میزان باروری تأثیر گذارد. اما می‌تواند به طور غیرمستقیم از طریق متغیرهای بینابینی در این امر موثر باشد. در این مطالعات سه متغیر به عنوان متغیرهای بینابینی در نظر گرفته شده‌اند: سن ازدواج، استفاده از روش‌های پیشگیری و تغذیه شیر مادر.

بعد مطلوب خانواده نیز به عنوان یکی از متغیرهای بینابینی در شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی باروری عمل می‌کند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که زنان در مناطق شهری تمایل بیشتری به داشتن خانواده کوچک‌تر، ازدواج در سنین بالاتر و استفاده کارآتر و بیشتر از وسایل پیشگیری دارند. در مقابل تمایل زنان مناطق شهری برای تغذیه نوزادان با شیر مادر کمتر از مناطق روستایی است و مدت کمتری را به این کار اختصاص می‌دهند. بعلاوه تفاوت در سن ازدواج، استفاده از وسایل پیشگیری و بعد مطلوب در پایین آمدن باروری در مناطق شهری موثر بوده است» (نبی، ۱۳۷۱، ص ۸۳).

یکی از نیرومندترین تحولاتی که عامل رشد در جامعه ایجاد می‌کند آن است که شهرنشینان خواهان فرزند کمتری می‌شوند، در حالی که در مناطق روستایی به فرزندان متعدد احتیاج است، زیرا آنان پدر و مادر را در کشت و کار یاری می‌دهند و در کنار این رسم، زندگی جمعیتی چندین خانواده در زیر یک سقف سبب می‌شود که مادر بزرگ‌ها و زن‌برادر با خواهرزن بتوانند یکدیگر را در بچه‌داری یاری دهند.

«در جامعه دهقانی، تعداد کثیر کودکان به منزله فرصتی است تا هنگامی که طفل به سن می‌رسد که دیگر نیازی به مراقبت و حمایت دایمی ندارد، درآمدی اضافی را به دستمزد ناچیز پدر یا والدین بیفزاید و در جامعه‌ای فاقد تسهیلات خدمات اجتماعی، کودکان منبع احتمالی را برای تأمین روزگار پیری و والدین پدید می‌آورند» (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۰۸).

«در روستا بچه‌ها عامل پریشانی حواس و گرفتاری به حساب نمی‌آیند. اما شهرنشینی سبب می‌شود که خویشان و بستگان با یکدیگر زندگی نکنند. کمبود خانه در شهر سبب

می‌شود که خانواده‌های بزرگ‌تر به واحدهای کوچک تقسیم شوند و یک خانه به یک زن و شوهر و بچه‌هایش منحصر گردد» (هریسون، ۱۳۶۸، ص ۲۸۷).

«لوری بولیو»، دومون و بسیاری دیگر این نظریه را عنوان کردند که رشد سریع افراد شهرنشین نسبت به کل جمعیت با کاهش باروری به طور کلی رابطه دارد. از زمان‌های قبل این موضوع مطرح بود که جمعیت شهرنشین نسبت به جمعیت روستائین به طور کلی باروری کمتری نشان می‌دهد.

اختلاف باروری بین شهر و روستا در بسیاری از کشورها قبل از آغاز کاهش باروری محسوس بود، در بعضی از کشورها این نوع اختلاف چونان اختلاف طبقاتی تا قرون ۱۷ و ۱۸ قابل پی‌گیری بود، کاهش عمومی رقم موالید اختلاف باروری بین شهر و روستا را افزایش داد.

«اشپنگلر» و برخی دیگر محیط دنیای شهری را به عنوان شرط اساسی کاهش تعداد افراد خانواده می‌بینند و کاهش موالید در موارد دیگر را به عنوان گسترش نحوه زندگی شهری و قبول طرز فکر شهری می‌پندارند. «موریس هالبواکس» و «فیلیپ آریه» مانند اینها بر این عقیده‌اند که زندگی در شهر (شهرنشین) عامل این کاهش نیست، بلکه طرز فکر شهری عامل کاهش موالید است» (نشریه دانشکده علوم اجتماعی، شماره هشتم، ص ۱۶). فلیپ آریه در ارتباط با جمعیت پاریس نشان داده است که در خلال تنها یک نسل، پرولتاریای شدیداً بارآور ذهنیتی را اتخاذ کرد که از بنیاد به جلوگیری از بارداری گرایش داشت... و در یک نسل از رفتار جنسی که باروری کمابیش فیزیولوژیکی به نوعی نازایی اختیاری و فاقد توازنی متقابل دست یافت.

«دیدگاه‌ها و سیاست‌های مالتوسی زمانی مطرح می‌شوند که فرصت ایجاد یک مفهوم، می‌توان گفت که این خانواده تک هسته‌ای نیست که تحرک اجتماعی را پدید می‌آورد، بلکه گرایشی از پیش تعیین شده در اتحاد زوجین است که راه بر این تحرک را همواره می‌سازد» (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۰۸).

و اما در رابطه بین مهاجرت و بعد خانوار، پروین مصطفی ایبانه در سال ۲۵۳۵ مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر مهاجرت در تغییر گرایش‌های والدین» به بررسی پرداخته است.

وی معتقد است که «مهم‌ترین کارکرد خانوار، تولیدمثل و یا به عبارت دیگر بقای نسل می‌باشد، لیکن باید توجه داشت که این تنها والدین نیست. به عبارت دیگر اگر خانواده‌ای بچه‌های متعدد به دنیا بیاورد عملاً فونکسیون‌های دیگر خانواده از جمله حفظ و نگهداری فرزندان داشته باشد بسیار مشکل می‌تواند و یا شاید اصلاً نتواند وظیفه نگهداری و اجتماعی‌سازی آنها را به نحو احسن انجام دهد. در اینجا می‌خواهیم دریابیم که والدین خانواده مهاجر تا چه حدودی می‌توانند این فونکسیون را انجام دهند. اطلاعات مربوط نشان می‌دهد که تحرک مکانی به تنهایی با تعداد فرزندان ارتباط ندارد، بلکه مهاجرت به شهر است که باعث می‌شود که والدین بخواهند تعداد فرزندان کم باشد. به عبارت دیگر مسئله شهرنشینی یا روستائینشی است که تا حدی رابطه مستقیم با تعداد فرزند دارد....

در هر صورت باید گفت مهاجرت به شهر میل به داشتن کمتر از سه فرزند را در خانواده مهاجر زیاد نکرده است، لیکن این گروه نسبت به روستاییان مهاجر یا غیرمهاجر توجه کمتری به داشتن ۷ بچه و بیشتر را نشان داده‌اند. این نکته قابل توجه است که چون فرهنگ شهر در این گروه (هر دو مهاجر) از یک مقطع زمانی خاص (پس از مهاجرت به شهر) شروع شده است که احتمالاً این گروه تعدادی فرزند داشته‌اند که به شهر آمده‌اند، در نتیجه کمتر مایلند یک یا دو فرزند داشته باشند و تمایل به داشتن بیشتر از ۷ فرزند در این گروه کاهش یافته است» (مصطفی ایبانه، ۲۵۳۵، صص ۲-۳-۶۱).

### تعریف متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش تحرک اجتماعی است که بیشتر تحرک اجتماعی سرپرست خانوار مورد نظر می‌باشد.

### تحرک اجتماعی<sup>۴</sup>

عبارتست از: «حرکت افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی است.» (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴) به عبارت دیگر «انتقال فرد یا گروه از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی گویند» (قنادان و...، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰).

<sup>۴</sup> جهت حفظ امانتداری و با توجه به محدودیت فضای فصلنامه، فرضیات پژوهش، تعاریف انواع تحرک اجتماعی، بحث و نتیجه‌گیری از این مقاله حذف گردیدند.

## تعریف متغیر مستقل

متغیر مستقل در تحقیق مذکور بعد خانوار است که به تعریف آن خواهیم پرداخت ولی قبل از این که به تعریف آن بپردازیم شاید لازم باشد که اصطلاح باروری که نقش بسیار زیاد در بعد خانوار (شکل و حجم) دارد مورد تعریف قرار گیرد.

باروری

«باروری که حاصل عمل جنسی است، عبارتست از فراوانی ولادت‌ها» (آشفته تهرانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۴).

## بعد خانوار

«متوسط یا میانگین تعداد افراد موجود در خانواده‌های یک منطقه که از تقسیم تعداد جمعیت به تعداد خانوار به دست می‌آید، بعد خانوار خوانده می‌شود.» (سادات دربندی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴)

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این پژوهش از نوع بررسی یا پیمایشی است.

- جامعه آماری، شامل سرپرست‌های خانوار ساکن شهر شوشتر می‌باشد.
- واحد آماری یا واحد نمونه، هر یک از سرپرست‌های خانوار شهر شوشتر می‌باشد که براساس روش نمونه‌گیری ویژه این پژوهش انتخاب شده‌اند و پاسخگوی سئوالات پرسشنامه و گاهی مواقع جوابگوی مصاحبه بوده‌اند، یک واحد آماری برای پژوهش حاضر محسوب شده‌اند.
- روش نمونه‌گیری، در مورد نمونه‌گیری و نحوه آن باید اشاره کرده که شیوه‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفتند. به این ترتیب که ابتدا شهر شوشتر و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای به مناطق مختلف تقسیم و سپس چهار منطقه انتخاب گردید. خانه اول به گونه تصادفی ساده آمده که برای اطمینان بیشتر تعداد ۴۰۰ پرسشنامه بین افراد جامعه آماری پخش گردید.



ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پس از تجزیه متغیرها به معرف‌ها، برای هر یک از معرف‌ها، سئوالاتی طرح و تدوین شد. بعد از آزمون مقدماتی (Pre-test) پرسشنامه نهایی که شامل سئوالات باز و بسته بود با هم به ترتیبی تنظیم شدند که پاسخگو بتواند راحت‌تر پاسخ دهد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی نظیر «کی دو» استفاده و کلیه مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار کامپیوتری Spss انجام شده است.

### آزمون و تست تجربی فرضیات پژوهش

#### فرضیه اول:

به نظر می‌رسد در خانواده‌هایی که از تعداد فرزندان بیشتری برخوردارند، همین کثرت فرزندان خود به عنوان مانعی بر سر راه ثروتمند شدن سرپرست خانواده ایجاد کرده است، چرا که اصولاً فرزند بیشتر به دنبال خود مخارج بالاتری می‌آورد، این خود باعث کاهش میزان پس‌انداز خانواده خواهد شد.

جدول شماره ۱: رابطه بعد خانوار و ثروت سرپرست خانوار

جمع	۲۶-۳۰ خیلی زیاد	۲۱-۲۵ زیاد	۱۶-۲۰ متوسط	۱-۵ کم	۵-۱۰ خیلی کم	ثروت بعد خانوار
۶۹ ۱۷/۵	۲ ۰/۲۶ (۰/۸۷)	۱۶ ۱/۰۷ (۹/۶۳)	۲۷ ۶/۹ (۲۴/۳۴)	۲۲ ۵/۶ (۲۹/۳۷)	۱ ۰/۲۵ (۴/۳۷)	۵ تا ۵ نفر
۱۷۷ ۲۴/۹	۱ ۰/۲۵ (۲/۲۵)	۳۴ ۸/۶۵ (۲۴/۷۱)	۸۰ ۲۰/۳۶ (۶۲/۴۴)	۵۵ ۱۴ (۳۷/۳۷)	۷ ۱/۸ (۱۱/۲۳)	۸ تا ۸ نفر
۱۳۸ ۳۵		۵ ۱/۲۷ (۱۹/۳۶)	۲۲ ۸/۱۶ (۴۸/۶۷)	۸۴ ۲۱/۳۷ (۵۹/۵۴)	۱۷ ۴/۳۲ ۸/۷۵	۹ تا ۱۱ نفر
۱۰ ۲/۵	۱ ۰/۲۵ (۰/۱۳)			۹ ۲/۳ (۴/۳۱)		۱۱ نفر و بیشتر
۳۹۴ ۱۰۰	۵ ۱/۳	۵۵ ۱۴	۱۳۹ ۳۵/۳	۱۷۰ ۴۲/۱	۲۵ ۶/۳	جمع

$$X^2 = 83/47550$$

$$DF = 12$$

$$Significant = 00$$

بر اساس جدول فوق چون مقدار  $X^2 = 83/47$  می باشد و این مقدار از کی دو با درجه آزادی ۱۲ که  $(X^2) 21$  می باشد خیلی بیشتر است، بنابراین بین بعد خانوار و ثروت رابطه به شدت معنی داری وجود دارد. در نتیجه بین بعد خانوار و ثروت رابطه وجود دارد.  
فرضیه دوم:

خانواده هایی که تعداد فرزندان زیادی دارند، از درآمد سرانه پایین تری در مقایسه با خانواده هایی که فرزندان کمتری دارند، برخوردارند. زیرا به نظر بدیهی است که هر چه تعداد فرزندان یک خانواده زیادتر باشد مخارجی که برای آنها هزینه می شود، بیشتر می باشد.

جدول شماره ۲: رابطه بعد خانوار و درآمد سرپرست خانوار

درآمد بعد خانوار	کمتر از ۳۰ هزار تومان	۳۰-۷۰ هزار تومان	۷۰-۱۰۰ هزار تومان	۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان	۱۵۰-۲۰۰ هزار تومان	۲۰۰ هزار و بالا	بدون پاسخ	جمع
۳ تا ۵ نفر		۲ (۲/۲۲)	۳ (۹/۲۲)	۲۶ (۲۹/۲)	۳۱ (۱۳/۸)	۱۰ (۳/۹)		۷۳ ۱۸/۵
۶ تا ۸ نفر		۱/۵ (۵/۳۱)	۳ (۲۲/۶)	۲۷/۷۵ (۱۰۰/۹)	۹/۵ (۳۱/۲)	۲/۵	۱۰ (۳/۹)	۱۷۷ ۴۲/۳
۹ تا ۱۱ نفر	۶ (۲۰/۸)	۲ (۳/۱۷)	۹ (۱۷/۷)	۲۰/۵ (۷۹/۲)	۱ (۲۲/۷)	۱۱ (۷/۳)	۱ (۳/۸)	۱۳۹ ۳۳/۸
۱۱ نفر و بیشتر				۲/۲۵ (۵/۷)	۱ (۱/۸)			۱۰ ۲/۵
جمع	۶ ۱/۵	۱۲ ۳	۵۱ ۱۲/۸	۲۲۸ ۵۷	۷۱ ۱۷/۸	۲۱ ۵/۳	۱۱ ۲/۸	۳۰۰ ۱۰۰

پس از محاسبات،  $X^2$  برابر با  $۱۳۲/۷۶$  لحاظ گردید و با توجه به درجه آزادی با اعداد جدول توزیع  $X^2$  چون کی دوی جدول با درجه آزادی ۱۸ و سطح اشتباه ۵ درصد، برابر  $۲۸/۹$  می باشد، بنابراین به این نتیجه می رسیم که رابطه بین بعد خانوار و درآمد یک رابطه اتفاقی نیست، بلکه ارتباط بین این دو رابطه معنی دار است.

فرضیه سوم:

در خانواده‌های پر اولاد، زیادی تعداد فرزندان به عنوان مانعی عمده در راه تحصیلات سرپرست خانوار می‌باشد، چرا که وقتی خانواده‌ای تعداد فرزندان زیادی دارد، هم پدر و هم مادر دیگر نه وقت و نه احتمالاً حوصله‌ای دارند تا به تحصیلات بپردازند. همچنین فرزندان زیاد مخارج زیادی در بر دارد که شاید دیگر نتوان قسمتی را برای تحصیل هزینه کرد.

جدول شماره ۳: رابطه بین بعد خانوار و تحصیلات سرپرست خانوار

تحصیلات بعد خانوار	برسواد	پنجم ابتدایی	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	بدون پاسخ	جمع
۳ تا ۵ نفر	(۹/۶)	۲ (۳۲/۳)	۳۸ (۹/۵)	۱۱ (۸/۱۲)	۱۸ (۴/۵)	۳ (۰/۷۵)	۱۸/۵	۷۲
۶ تا ۸ نفر	(۱۲/۶)	۴ (۲۳/۰۱)	۹۸ (۸۲/۳)	۲۸ (۲۷)	۱۰ (۱۹/۵)	۱۳ (۷/۱)	۵ (۳/۵)	۱۷۷ ۲۴/۳
۹ تا ۱۱ نفر	(۱۱/۵)	۸ (۱۸/۱)	۱۱/۳۵ (۲۲/۶)	۵/۵ (۲۱/۲)	۱۱ (۱۵/۳)		۳ (۲/۸)	۱۳۹ ۳۲/۸
۱۱ نفر و بیشتر			۵ (۱/۲۵)		۵ (۱/۲۵)			۱۰
جمع	۳۳ (۸/۳)	۵۲ (۱۳)	۱۸۶ (۳۶/۵)	۶۱ (۱۵/۳)	۲۴ (۱۱)	۱۶ (۴)	۸ (۲)	۳۰۰ ۱۰۰

$X^2 = 102/51152$

DF = 18

Singificance = 0000

بر اساس داده‌های فوق زمانی که کی دوی به دست آمده را که  $X^2 = 102/51$  است با درجه آزادی ۱۸ با عدد به دست آمده از جدول (۲۸/۹) مقایسه می‌کنیم، به معنی دار بودن رابطه بین بعد خانوار و تحصیلات سرپرست خانوار واقف می‌شویم. پس بین بعد خانوار و تحصیلات سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم:

در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان کمی دارند اکثراً مشاهده می‌شود که سرپرست چنین خانوارهایی از شغل بهتر و پردرآمدتری برخوردار است. زیرا این نوع مشاغل معمولاً رابطه

بسیستم با تحصیلات بالا دارند و تحصیلات بالا هم خود منجر به دیدگاهی می‌شود که باعث کاهش تعداد موالید است.

جدول شماره ۴: رابطه بعد خانوار و شغل سرپرست خانوار

شغل بعد خانوار	قانون گذار، مقامات عالی رتبه مدیران	متخصصان	تکسین‌ها و دستیاران	کارمندان امور اداری و دفتری	کارکنان خدماتی و فروشنده‌گان فروشگاه و بازار
۳ تا ۵ نفر	۱۵ ۳/۷۵ (۲/۷۵۲)	۶ ۱/۵ (۱۰/۲)			۱۹ ۲/۷۵ (۱۲/۶۲)
۶ تا ۸ نفر	۱ ۰/۲۵ (۶/۹۲)		۲۲ ۶ (۲۱/۹۱)	۲۷ ۶/۷۵ (۱۶/۹)	۲۵ ۶/۲۵ (۳۷/۱۹)
۹ تا ۱۱ نفر			۲۱ ۵/۲۵ (۱۷/۵)	۱۲ ۳ (۱۲/۹۴)	۲۲ ۱۰/۵ (۳۰/۷۲)
۱۱ نفر و بیشتر			۳ ۱ (۱/۹۶)		
جمع	۱۶	۶	۲۹	۳۹	۸۶

ادامه جدول شماره ۴

شغل بعد خانوار	کارکنان ماهر کشاورزی ماهگیری جنگلداری	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط	متصدیان آلات و دستگاه‌های مونتاز کارها و رانندگان وسیله نقلیه	کارگران ساده	سایر و اظهار نشده	بی‌پاسخ	جمع
۳ تا ۵ نفر	۸ ۲ (۵/۶۱)	۳ ۰/۷۵ (۳/۵۷)	۵ ۱/۲۵ (۱۱/۳۹)	۸ ۲ (۷/۱۳)	۱ ۲۵ (۲/۸۹)	۳ ۰/۷۵ (۲/۰۸)	۶۸
۶ تا ۸ نفر	۱۰ ۲/۵ (۱۲/۲۷)	۱۰ ۲/۵ (۹/۰۸)	۲۳ ۱۰/۷۵ (۲۹)	۱۰ ۲/۵ (۱۸/۱۶)	۳ ۰/۷۵ (۷/۳۵)	۲۰ ۵ (۱۰/۳۸)	۱۷۳
۹ تا ۱۱ نفر	۱۲ ۳/۵ (۱۱/۸)	۸ ۲ (۷/۵۱)	۱۹ ۱۲/۷۵ (۲۳/۹۵)	۱۹ ۳/۷۵ (۱۵/۰۱)	۷ ۱/۷۵ (۶/۰۸)	۱ ۲۵ (۸/۵۸)	۱۲۳
۱۱ نفر و بیشتر	۱ ۰/۲۵ (۱/۳۲)			۵ ۱/۲۵ (۱/۶۸)	۶ ۱/۵ (۰/۶۸)		۱۶
جمع	۳۳	۲۱	۶۷	۳۲	۱۷	۲۲	۲۰۰

$X^2 = 184/73639$

DF = 27

Significant = 0000

کی دوی به دست آمده از معادله ریاضی خیلی بزرگتر از عدد جدول می باشد. بدین ترتیب که: کی دوی به دست آمده  $X^2 = 184/74$  با درجه آزادی ۲۷ هنگامی که با کی دوی جدول که میزان ۴/۰۱ می باشد، مورد مقایسه قرار می گیرد، نشان از بسیار معنی دار بودن این فرضیه می دهد- یعنی بین بعد خانوار و شغل سرپرست خانوار رابطه اتفافی نیست، بلکه رابطه ای تنگاتنگ موجود است.

فرضیه پنجم:

خانواده هایی که تعداد فرزندان زیادی دارند اکثراً متعلق به طبقه پایین جامعه هستند. هر چه که در سلسله مراتب اجتماعی به سمت بالا تر نزدیک می شویم به نسبت از تعداد فرزندان متعلق به خانواده ها کاسته خواهد شد.

جدول شماره ۵: رابطه بین بعد خانواده و منزلت اجتماعی

جمع	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	منزلت اجتماعی
					بعد خانوار
۷۴ ۱۸/۵		۱۰ ۲/۵ (۸/۲)	۴۷ ۱۱/۷ (۳۲/۵)	۱۷ ۴/۲۵ (۱۶/۸)	۳ تا ۵ نفر
۱۷۷ ۴۴/۳		۳۶ ۹ (۴۲/۸)	۸۰ ۲۰ (۸۰/۱)	۶۱ ۱۵/۲۵ (۴۰/۳)	۶ تا ۸ نفر
۱۲۹ ۳۴/۸	۲۹ ۷/۲۵ (۱۰/۱)	۵۳ ۱۳/۲۵ (۳۴/۴)	۴۹ ۱۲/۲۵ (۶۲/۹)	۸ ۲ (۳۱/۶)	۹ تا ۱۱ نفر
۱۰ ۲/۵			۵ ۱/۲۵ (۴/۵)	۵ ۱/۲۵ (۲/۳)	۱۱ نفر و بیشتر
۴۰۰ ۱۰۰	۲۹ ۷/۳	۹۹ ۲۴/۸	۱۸۱ ۴۵/۳	۹۱ ۲۲/۸	جمع

$$X^2 = 112/31032$$

$$DF = 9$$

$$\text{Significant} = 0000$$

$\chi^2$  حاصل از محاسبات ریاضی تقریباً برابر ۱۱۲/۳۱ گردیده که با توجه به درجه آزادی (d.f) که از رابطه  $d.f = (m-1)(k-1)$  به عبارت دیگر (۱- تعدادستونها)  $\times$  (۱- تعداد سطرها) به دست می‌آید با اعداد جدول توزیع  $\chi^2$  مقایسه می‌کنیم. کی دوی جدول با درجه آزادی ۹ سطح اشتباه ۵ درصد برابر ۱۶/۹۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که رابطه بین بعد خانوار و منزلت اجتماعی سرپرست خانوار یک رابطه بین بعد خانوار و منزلت اجتماعی سرپرست خانوار یک رابطه اتفاقی نیست، بلکه رابطه به شدت معنی‌دار است.

فرضیه ششم:

شاید در نگاه اول چنین به نظر رسید که بین بعد خانوار و مهاجرت ارتباط وجود داشته باشد، یعنی همچنان که در چارچوب نظری هم نشان داده شد خانواده‌هایی که از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند به کسانی که مهاجرت نکرده بودند تعداد فرزندان کمتری داشتند. ولی این قسسه شاید در همه جا یکسان وجود نداشته باشد.

جدول شماره ۶: رابطه بین بعد خانواده و وضعیت مهاجرت

جمع	بدون پاسخ	هیچ کدام	همه موارد	بهبود شدن امکانات	بهبود شدن وضعیت شغلی	افزودن تحصیلات سرپرست	بهبود وضع اقتصادی	تعبیرات مهاجرت بعد خانوار
۷۲ ۱۸/۵	۶۲ ۱۵/۵ (۶۲)			۱ ۰/۲۵ (۰/۲۲)			۱۱ ۲/۷۵ (۶/۵)	۳ تا ۵ نفر
۱۷۷ ۴۴/۳	۱۵۲ ۳۸ (۱۳۸/۲)			۲ ۱ (۶/۲)	۲ ۱ (۳)	۱ ۰/۲۵ (۰/۲۲)	۱۵ ۳/۷۵ (۱۵/۵)	۶ تا ۸ نفر
۱۳۹ ۳۳/۸	۱۱۱ ۲۷/۷۵ ۱۱۶/۴		۱ ۰/۲۵ (۰/۲۹)	۱۰ ۲/۵ (۳/۹)	۵ ۱/۲۵ (۳/۱۳)		۹ ۲/۲۵ (۱۲/۲)	۹ تا ۱۱ نفر
۱۰ ۲/۵	۱۰ ۲/۵ (۸/۳)							۱۱ نفر و بالاتر
۲۰۰ ۱۰۰	۳۳۵ ۸۳/۸	۲۵ ۰/۵	۱ ۱	۹ ۳/۵	۱۲ ۲/۳	۲ ۰/۳	۲ ۸/۸	جمع

$$\chi^2 = 23/34112$$

$$DF = 18$$

$$\text{Significant} = 0000$$

چون مقدار  $X^2 = 23/34$  می باشد و این مقدار از حداقل اندازه کی دو با درجه آزادی ۱۸ که  $X^2 = 28/9$  می باشد کمتر است، بنابراین در نتیجه براساس داده های قبلی (یعنی بین بعد خانوار و مهاجرت رابطه وجود دارد)، را نمی توان به کل جامعه آماری تعمیم داد پس بین بعد خانوار و مهاجرت هیچ رابطه ای وجود ندارد.  
فرضیه هفتم:

از یافته های تحقیق چنین برمی آید که بین بعد خانوار و میل به شهرگرایی سرپرست خانوار رابطه است. چرا که خود تعداد فرزندان کم، نشان از پذیرش آداب و رسوم شهری خانواده دارد. یعنی اکثراً خانواده هایی که در شهر زندگی می کنند و یا آنهایی که از روستاها به شهرها مهاجرت کرده و تحت تأثیر شهر قرار می گیرند بر اثر عوامل مختلف شهری از خانواده های مشابه به روستایی بچه های کمتری به دنیا می آورند.

جدول شماره ۷: رابطه بعد خانواده و شهرگرایی (پذیرش آداب و رسوم شهر)

شهرگرایی بعد خانوار	کم	متوسط	زیاد	جمع
۲ تا ۵ نفر	۵۶ ۱۴ (۳۸/۱)	۱۴ ۲/۵ (۳۱/۳)	۴ ۱ (۴/۶۳)	۷۴ ۱۸/۵
۶ تا ۸ نفر	۱۰۶ ۲۶/۵ (۷۴/۸)	۶۷ ۱۶/۷۵ (۱۱۷/۰۶)	۴ ۱ (۴۴/۳)	۱۷۷
۹ تا ۱۱ نفر	۳۹ ۹/۷۵ (۷۱/۶)	۸۸ ۲۲ (۵۸/۷)	۱۲ ۳ (۷/۸)	۱۳۹ ۳۴/۸
۱۱ نفر و بیشتر	۵ ۱/۲۵ (۵/۰۱)		۵ ۱/۲۵ (۱/۶۲)	۱۰ ۲/۵
جمع	۲۰۶ ۵۱/۵	۱۶۹ ۴۲/۳	۲۵ ۶/۳	۴۰۰ ۱۰۰

$X^2 = 91/29352$

DF= 6

Significant= 0000

براساس جدول فوق چون مقدار  $X^2 = 91/29352$  می‌باشد و این مقدار از حداقل کی‌دوی جدول با درجه آزادی ۶ که  $X^2 > 12/59$  می‌باشد، بیشتر است. بنابراین بین بعد خانوار و شهرگرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

### پیشنهادات

مهمترین پیشنهادات این پژوهش با توجه به بررسی انجام گرفته عبارتند از:

- ۱- توانمند کردن افراد و خانواده‌ها در زمینه آموزش آگاهی و علم.
- ۲- افزایش وسایل آموزشی، مهارت و سواد والدین (خصوصاً مردان) و به طور کلی بالا بردن سطح تحصیلات جامعه و ایجاد احساس مسئولیت بیشتر در بین والدین تا هزینه‌های بیشتری را به فرزندان خود اختصاص داده و کیفیت فرزندان جانشین کمیت آنها کنند.
- ۳- با توجه به این که رسانه‌های گروهی مخصوصاً رادیو، تلویزیون در کشورهای جهان سوم تأثیر بسیار زیادی بر افراد جامعه دارند، به همین خاطر پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌های این رسانه‌ها هرچه بیشتر در جهت تنظیم خانواده و آگاهی مردم از مشکلات جمعیتی سازماندهی شود.
- ۴- کوشش در راه برابری هرچه بیشتر مرد و زن در خانواده و کمک به گسترش اشتغال زنان. چرا که زنان شاغل فرصت کمتری برای رسیدگی به فرزندان دارند، در نتیجه اقدام به فرزندآوری کمتری می‌کنند. مطالعات انجام شده هم این نکته را تأیید می‌کنند.
- ۵- کوشش در راه کم کردن هرچه بیشتر شکاف طبقاتی در بین اقشار مختلف مردم، زیرا مطالعاتی نظیر همین اثر ثابت کرده‌اند، هرچه خانواده از نظر ثروت و درآمد وضع بهتری داشته، کمتر اقدام به فرزندآوری نموده است. به عبارت دیگر کثرت فرزندآوری، بیشتر از خانواده‌هایی مرسوم می‌باشد که از پایگاه اجتماعی نسبتاً پایینی برخوردارند.



## زیرنویس:

1- Social static                      2- Statism                      3- Social dynamic  
4- Rele

## منابع و ماخذ

- ۱- ابراهیم کرامی، ن هیل و اترنر، ب اس. فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه: حسن پویان. تهران: نشر چاپخش. ۱۳۶۸.
- ۲- آشفته تهرانی، امیر. جامعه‌شناسی جمعیت (نمونه ایران). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۳۷۲.
- ۳- اشرف، احمد. جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در امریکا. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۴۶.
- ۴- پروسا، رولان. جمعیت‌شناسی اجتماعی. ترجمه: منوچهر محسنی. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۳.
- ۵- تأمین، ملوین. جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات توتیا. ۱۳۷۳.
- ۶- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه: غلامعلی فرجادی. تهران: موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی توسعه. ۱۳۷۸.
- ۷- جوامری، نازیلا. علت بالا بودن سطح باروری در محله مفت آباد اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دهقان. دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۷۷.
- ۸- خدائنده‌لو، سعید. تحرک اجتماعی بین نسلی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۲.
- ۹- دفلور، ملوین، الو... مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: حمید خضرنجات. شیراز: چاپخانه مرکزی نشر دانشگاه. ۱۳۷۱.
- ۱۰- سادات دربندی، ابوالقاسم. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل جمعیتی ایران. دانشگاه شیراز از مرکز جمعیت‌شناسی. جلد اول. ۱۳۷۲.
- ۱۱- ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش. ۱۳۷۵.
- ۱۲- ستوده زند، محمود. مقاله بعد خانوار و ارتباط با سواد و شغل. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون. ۱۳۴۹.
- ۱۳- سگالین، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. ۱۳۷۰.
- ۱۴- سیفی، منصور. پژوهش در زمینه باروری و مصرف در مناطق روستایی فارس. شیراز: دانشگاه شیراز. ۱۳۶۶.
- ۱۵- عزیزخانی، عبدالله. ارزش فرزند و بعد خانوار در روستا (مطالعه موردی شش روستا در جنوب اهر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۷۴.
- ۱۶- فرایبی مقدم، امان‌اله. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات ابجد. ۱۳۷۴.

- ۱۷- قادان و دیگران. جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی). تهران: انتشارات آوای نور. ۱۳۷۵.
- ۱۸- کیدو، اکتوی. جامعه‌شناسی (پیش‌درآمدی انتقادی)، ترجمه: ابوظالب فنایی. چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز. ۱۳۷۱.
- ۱۹- لازوک، پی‌یر. طبقات اجتماعی. ترجمه: ایرج علی‌آبادی. تهران: انتشارات فروردین. ۱۳۴۶.
- ۲۰- مایر، کورت. جمعیت‌شناسی و جمعیت‌نگاری. ترجمه: سیاوش امینی و محمدجواد زاهدی مازندرانی. مجله دانشکده. شماره ۸، ۱۳۵۶.
- ۲۱- مصطفی‌ایبانه، پروین. تأثیر مهاجرت در تغییر نگرش‌های والدین. نشریه دانشکده. ۲۵۳۵.
- ۲۲- منظوری، علیرضا. عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی موثر بر باروری شهرک شهید انصاری رودسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی. ۱۳۷۳.
- ۲۳- هریسون، پل. درون جهان سوم. ترجمه: شاداب رجوی. ۴، ۱۳۶۸.
- 24- Bhende, Asha. principle of population Studise Himalaya Publishing house Bomboy. 1988.
- 25- Mahadevan.k. (eds) Fertility Policies of countries Sage Publication India Parsons. T (1951) social system. NewYork: free Press, 1988
- 26- United nation. Asia- Pacific Population Journal Vol No.2

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی